

رفتارهای پرخطر زنان معتاد بیشتر از مردان معتاد است

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مصرف مواد در زنان به‌ویژه مصرف تزریقی با آسیب‌های دیگر اجتماعی مانند فرار از منزل و روسپی‌گری همراه است. اعتیاد در زنان به‌ویژه زنان بی‌خانمان وضعیت آن‌ها را از لحاظ اقتصادی وخیم‌تر می‌کند؛ لذا برای حمایت اقتصادی به مردان وابسته‌تر می‌شوند و این موضوع باعث گسترش فحشا می‌شود.

به گزارش **مه‌رخانه**، برپایه اظهارنظر سازمان جهانی بهداشت یکی از ده بیماری که در سال 1990 میلادی در جهان موجب بیشترین میزان ناتوانی در آرمیان شده، سوءمصرف مواد و الکل است؛ امروزه این آشفتگی به یکی از بزرگ‌ترین مشکلات جوامع بشری تبدیل شده است.

همچنین یک پژوهش کیفی در مورد تعیین مشکلات اجتماعی در اولویت ایران، از دید صاحب‌نظران با کاربرد روش دلفی نشان داد که 15 مشکل، مورد اجماع افراد صاحب‌نظر است که اولین آن‌ها اعتیاد است.

رفتارهای پرخطر زنان معتاد بیشتر از مردان معتاد

در مورد اعتیاد زنان در مقایسه با مردان تفاوت‌هایی مشاهده شده است. از یک‌سو میزان مصرف تزریقی مواد در زنان، کمتر از مردان و از سوی دیگر رفتارهای پرخطر در زنان برابر یا حتی بیشتر از مردان است. به‌عنوان مثال مصرف سرنگ مشترک در زنان بیش از مردان است. در بررسی معتادان تزریقی شهر تهران، گزارش شده است که بیشتر زنان مصرف‌کننده تزریقی مواد، در شرایط بد بهداشتی زندگی می‌کنند و برای ادامه زندگی دست به تن‌فروشی می‌زنند.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مصرف مواد در زنان به‌ویژه مصرف تزریقی با آسیب‌های دیگر اجتماعی مانند فرار از منزل و روسپی‌گری همراه است. اعتیاد در زنان به‌ویژه زنان بی‌خانمان وضعیت آن‌ها را از لحاظ اقتصادی وخیم‌تر می‌کند؛ لذا برای حمایت اقتصادی به مردان وابسته‌تر می‌شوند و این موضوع باعث گسترش فحشا می‌شود.

همچنین در زنان مصرف‌کننده مواد، احتمال وقوع بزهکاری و ارتکاب جرم بالا می‌رود؛ شایع‌ترین نوع بزهکاری آن‌ها، جرایم مالی نظیر سرقت از منزل و مغازه‌ها، حمل و توزیع مواد مخدر و روسپی‌گری است.

احتمال وقوع خشونت در زنان معتاد 6 برابر بیشتر از زنان عادی

احتمال وقوع خشونت در زنان با مصرف مواد مخدر 6 برابر و با مصرف الکل تا 3 برابر افزایش می‌یابد. پژوهش‌های زیادی نشان می‌دهند افراد وابسته به دارو، دست‌کم از یک اختلال روانی دیگر نیز رنج می‌برند. به‌عنوان مثال گرایش‌های رفتاری جامعه‌ستیزی در بسیاری از معتادان مشاهده شده است. نتایج یافته زیمرمن و کوریل نشان داد 17.2 مرتبه بیشتر احتمال دارد که همزمان دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی نیز باشند. پژوهش رضایی، حیدری‌پور و قدمی نشان داد که افراد معتاد همچنین دارای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه هستند؛ مثلاً آنها احساس می‌کنند دیگران نسبت به آن‌ها بی‌اعتماد و بدرفتارند و یا این‌که آن‌ها را رها خواهند کرد.

پژوهش حاضر راجع به طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه این گروه که زیربنای آن را نگرش‌های نادرست نسبت به خود، محیط و جامعه تشکیل می‌دهد و نیز برآورد میزان ویژگی شخصیتی جامعه‌ستیزی در این قشر است که می‌تواند ما را به شناخت بیشتر و راهکارهای درمانی جدیدتری رهنمون کند.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل تمام زنانی بود که اولاً، وابسته به مواد بودند؛ یعنی مشکل سوءمصرف و یا مصرف تفتنی نداشتند و ثانیاً، حداقل دو ماه بی‌خانمان بودند.

با توجه به این‌که حجم جامعه آماری حدود 800 نفر بود، با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس برای انتخاب نمونه، 25 نفر زن وابسته به مواد از خانه خورشید و خوابگاه زنان تولد دوباره در شهر تهران و 35 نفر از تمام پارک‌های جنوب شهر تهران و درکل 60 نفر انتخاب شدند. برای برخی از آزمودنی‌ها که سواد و یا توانایی تکمیل کردن پرسش‌نامه‌ها را به‌تنهایی نداشتند، سؤال‌ها توسط آزمون‌گر یک‌به‌یک خوانده و سپس علامت‌گذاری شد.

شیشه؛ ماده مصرفی غالب زنان معتاد بی‌خانمان

ماده مصرفی غالب زنان بی‌خانمان وابسته به مواد، شیشه بود؛ به‌طوری‌که 52 نفر از آن‌ها یا به‌تنهایی شیشه و یا مواد مصرفی دیگری را که اغلب شیشه و هرویین بود، مصرف می‌کردند.

میانگین سن 53 نفر از آنان 38.91 با دامنه سنی 22 تا 57 سال بود. 7 نفر سن خود را اعلام نکردند. تنها یک‌ششم از آنان همسر داشتند

که آن هم با افرادی مثل خودشان عقد موقت کرده و بقیه همگی مطلقه، بیوه و یا در حال متارکه بودند و فرد مجرد و دوشیزه در آن‌ها وجود نداشت. از نظر سطح تحصیلات نیز 42 نفر یا بی‌سواد یا تا مقطع راهنمایی و 13 نفر نیز تا مقطع متوسطه درس خوانده بودند. 5 نفر نیز دارای تحصیلات دانشگاهی بودند.

بالا بودن سطح جامعه‌سنجی زنان معنادار بی‌خانمان

سطوح جامعه‌سنجی اکثر زنان مورد مطالعه بالا است. نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که دامنه نمره‌های جامعه‌سنجی زنان بی‌خانمان وابسته بین 45 تا 94 است. حدود 50% نمره‌ها بین 68 تا 76 با میانگین 70.27 بود.

نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد به‌طور کلی همه طرح‌واره‌های ناسازگار در زنان بی‌خانمان وابسته به مواد بالا است، بالاترین میانگین مربوط به زیرمقیاس‌های ایثار (25.77) و پایین‌ترین میانگین مربوط به زیرمقیاس‌های وابستگی / بی‌کفایتی (16.63) و خود تحول‌نیافته / گرفتار (16.59) بود.

دامنه نمره‌های اکثر مقیاس‌ها متناسب با دامنه نظری از 5 تا 30 بود. بعد از زیرمقیاس ایثار گروه مورد مطالعه به ترتیب در زیرمقیاس‌های رهاشدگی / بی‌ثباتی (24.25) محرومیت هیجانی (23.85)، انزوای اجتماعی / بیگانگی (23.48)، بی‌اعتمادی / بد رفتاری (23.45) و بازداری هیجانی (21.82) نمره‌های بالاتری را کسب کردند.

نتایج نشان داد که اکثر زیرمقیاس‌ها از همبستگی متوسط و برخی از همبستگی متوسط با بالا برخوردار بودند. به جز دو مورد (همبستگی بین ایثار و وابستگی / بی‌کفایتی و همبستگی بین ایثار و خویش‌داری / خودانضباطی) که صفر یا در حد صفر است، سایر همبستگی‌ها از 0.05 شروع و تا 0.61 گسترش داشت

برای تحلیل دقیق‌تر از جامعه‌سنجی به‌عنوان متغیر ملاک و از نمره‌های 15 طرح‌واره در نقش متغیرهای پیش‌بینی استفاده شد. همبستگی بین زیرمقیاس انزوای اجتماعی / بیگانگی و جامعه‌سنجی 0.35 بود. ضرایب همبستگی بین جامعه‌پذیری / ایثار 0.30 و با خویش‌داری / خودانضباطی ناکافی 0.25 بود، اما سایر ضرایب همبستگی معنادار نبودند.

با مقایسه یافته‌های پژوهش‌های دیگر با این پژوهش که اختصاص به زنان وابسته به مواد بی‌خانمان داشت، در یک نگاه می‌توان دریافت که جامعه‌سنجی در زنان معنادار بی‌خانمان درصد بسیار بالاتری را دارد؛ صرف‌نظر از مقدار جامعه‌سنجی اولیه (قبل از اعتیاد و بی‌خانمانی)، احتمالاً به تدریج در این افراد به‌خاطر شرایط زندگی نامطلوب، جامعه‌سنجی بیشتری رشد کرده است و یا این‌که زندگی در چنین شرایطی این چنین خصوصیتی را بیشتر می‌طلبد.

زندگی در قله جامعه‌سنجی

زندگی با شرایط دشوار بی‌خانمانی، مستلزم هنجارشکنی، درآوردن خرج سنگین روزانه مواد از هر طریقی مانند روسپی‌گری، گدایی، جمع‌آوری ضایعات، خریدوفروش مواد، دوره‌گردی، دزدی و جزآن از یک‌سو، و درگیری روزانه با پلیس، سابقه‌های متعددتر زندان به نسبت معنادار دیگر، تحمل فضاهای خشونت‌آمیز گداخانه‌ها، اردوگاه‌های اجباری و رفتارهای بد خانواده، اطرافیان و حتی نگرش بسیار منفی مردم اجتماع دست کم به‌خاطر ظاهر ناپسند آن‌ها از سوی دیگر؛ این افراد را مجبور می‌کند برای گذران زندگی، تاوان شدیدتری بپردازند و بدون این‌که متوجه باشند هر روز بیشتر در آن غرق شوند. در واقع زندگی این افراد، زندگی در قله جامعه‌سنجی است.

یکی از سبک‌های رایج در والدین افراد وابسته به سوء مصرف مواد، کم‌عاطفه بودن، کنترل‌گرایی افراطی و تندخویی است

یکی از سبک‌های رایج در والدین افراد وابسته به سوء مصرف مواد، کم‌عاطفه بودن، کنترل‌گرایی افراطی و تندخویی است که می‌تواند فرد را برای گرایش به مواد در سنین نوجوانی و جوانی مستعد کند. یکی از تبیین‌های احتمالی پژوهش حاضر این است که با توجه به گذشته نامساعد و بحران‌های زندگی این زنان و محرومیت‌هایی که آن‌ها در زندگی خود و شرایط زندگی بی‌رحمی که در خارج از خانه و بی‌خانمانی تجربه کرده‌اند، تجربه‌هایی مانند بی‌اعتمادی حتی به نزدیک‌ترین اطرافیان، خیانت، رهاشدگی از جانب نزدیکان، احساس مورد سوءاستفاده قرارگرفتن و قربانی‌شدن در زندگی، احساس تفاوت داشتن با دیگران بوده است، که طرحواره‌هایی مثل رهاشدگی، محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی / بد رفتاری، انزوای اجتماعی / بیگانگی و بازداری هیجانی را در آنان شکل داده است.

تبیین احتمالی دیگر این است که در خانواده‌هایی که کودکان حمایت اجتماعی لازم را دریافت نمی‌کنند، ممکن است به روابط با دیگران و هنجارهای اجتماعی بی‌توجه باشند و استحقاق / خودبزرگ‌بینی در آن‌ها رشد کند یا این‌که به خواسته‌های دیگران بیش‌ازحد اهمیت دهند و نیازهای خود را نادیده بگیرند و ایثار و معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی در آن‌ها رشد یابد.

لازم به ذکر است پژوهش حاضر با عنوان "رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و جامعه‌سنجی در زنان بی‌خانمان وابسته به مواد"، توسط دکتر هادی بهرامی و الهام کرمی انجام و سال 1392 در فصل‌نامه علمی - پژوهشی روانشناسی کاربردی منتشر شده است.